راه‌های ترویج نماز فرهنگ

حسن منتظری

برای درمان آسیب اجتماعی نمازگریزی، کارهای مختلف و متنوع باید انجام شود. یکی از مهم‌ترین و محوری‌ترین راه‌های درمان آسیب اجتماعی نمازگریزی این است که فرهنگ نماز بر جامعه حاکم شود. امّا اینکه چگونه فرهنگ نماز را در جامعه حاکم سازیم تا دیگر پدیده‌ای بنام نمازگریزی در جامعه نداشته باشیم، مستلزم تلاش هماهنگ کلیه نهادهای فرهنگی - اجتماعی و از همه مهم‌تر نهاد خانواده است که هم در بُعد فردی و هم در بُعد اجتماعی به نهادینه شدن نماز می‌توانند کمک کنند. روش‌های درمان آسیب اجتماعی نمازگریزی، همان روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی است که می‌تواند با دادن بینش و جهان‌بینی توحیدی، انسان آگاه، مؤمن، متعادل و پایبند به نماز تربیت نماید. علاوه‌بر تعمیق و گسترش شناخت و باورهای دینی، استفاده از شیوه‌های مناسب برای دعوت به نماز نیز در درمان آسیب اجتماعی نمازگریزی مفید است. حتی به تعبیر دقیق‌تر - امروزه بیش از آنکه نیازمند دانش باشیم، نیازمند روش و منش مناسب برای تربیت مذهبی و ترویج فرهنگ نماز در جامعه هستیم - طرّاحی روش‌های نو، شیوه‌های جذاب، ساده و قابل انطباق با روحیه کودک و نوجوان ضرورت فرهنگ‌سازی دینی و راه درمان آسیب اجتماعی نمازگریزی است.

راه‌های درمان آسیب‌های اجتماعی نمازگریزی

۱. به کارگیری روش محبت: از نیکوترین و اساسی‌ترین روش‌های تربیت دینی جامعه و عامل اساسی پیشگری و درمان آسیب‌های اجتماعی نمازگریزی، بکارگیری روش محبّت است. با توجه به سرشت آدمی و تأثیرپذیری انسان از نرمی و دوستی و انزجار فطرت آدمی از تُندی و خشونت‌گرایی، نیکوترین راه و رسم تربیت مذهبی کودکان و نوجوانان و همچنان عامل مؤثر در درمان نمازگریزی آنان، بکارگیری روش محبت است. پیامبر اکرم(ص) والاترین مربی بشر، مردمان را با محبت تربیت کرد و بیش از هر چیز از این روش بهره بُرد. از علی(ع) روایت شده که فرمود: از رسول خدا درباره سُنّت آن حضرت پرسیدم، فرمود: و الحُبّ اساسی[1] یعنی محبت بنیاد و اساس (روش و سنت) من است. محبت، هم در مورد کودکان و هم در مورد جوانان و نوجوانان می‌تواند از بسیاری رفتارهای نامطلوب از جمله نمازگریزی جلوگیری کند، لذا رسول گرامی اسلام درباره محبت به کودکان فرمود: «کودکان خود را دوست بدارید و به آنان مهر بورزید.»[2]

۲. استفاده از روش الگویی: به دلیل نیاز فطری آدمی به الگو و همانندسازی؛ در درمان نمازگریزی لازم است الگوهایی والا از نمازگزاران واقعی به افراد جامعه معرفی شوند تا جوانان و نوجوانان با بینش روشن به الگوگیری از آنها بپردازند. البتّه روش الگویی نه‌تنها در تربیت مذهبی و درمان نمازگریزی بلکه در تمامی رفتارهای انسان کاربُرد دارد، افرادی که علاقه به نماز ندارند و یا نمازگریز هستند نیز به‌خاطر وجود نداشتن الگوهای مناسب و عدم اهتمام والدین به این موضوع، با افراد بی‌نماز و نمازگریز همانندسازی کرده و آنها را الگوی شخصیتی خویش قرار داده‌اند، بنابراین والدین و مربیان باید از نخستین دوران کودکی، هم خود الگوی مناسب برای کودکان باشند و هم افراد دیگری را که اهل نماز هستند به عنوان الگو معرفی کنند و بالطبع کودکان هرچه از الگوهای مناسب‌تر و والاتری بهره‌مند شوند، کمتر دچار آسیب نمازگریزی می‌شوند، از سوی دیگر افرادی را که به عللی به آسیب نمازگریزی عادت کرده‌اند، می‌توان با ارائه الگوهای مناسب، درمان و اصطلاح کرد.[3]

۳. روش تذکر: یکی دیگر از روش‌های درمان نمازگریزی در جامعه به کارگیری روش تذکر و یادآوری است. چه بسا افرادی که علاقه به نماز ندارند به‌خاطر این است که به اهمیت و جایگاه نماز پی نبرده‌اند. اگر به این افراد یادآوری شود که نماز کلید بهشت است[4] و به منزله پرچم و آرم و نشانه اسلام است،[5] ممکن است به نماز علاقه‌مند شوند. همچنان اگر پیامدهای منفی نمازگریزی هم در بُعد فردی و هم در بُعد اجتماعی و نیز پیامدهای دنیوی و اخروی آن بیان شود، ممکن است عده‌ای متنبّه شوند و همچنین بیان عاقبت افرادی که اهل نماز نبوده‌اند، می‌تواند در علاقه‌مندی افراد به نماز مؤثر باشد.[6]

در تربیت و پرورش، آن اندازه که الگوهای عملی و عینی می‌توانند کارساز باشند صرف ارائه مفاهیم ذهنی و نظری کارآیی ندارد. تحلیل ماهیت نماز و برشمردن فواید و آثار آن گرچه سازنده است امّا سازنده‌تر آن است که نشان دهیم این مفاهیم می‌تواند در وجود انسان‌ها تبلور یابد و عینی و مجسّم شود.

۴. استفاده از قصه‌ها و خاطره‌های زیبا برای بیان اهمیت و عظمت نماز: بدون شک بیان قصه‌های لطیف و خاطره‌های زیبا و فراموش‌نشدنی درباره نماز و اهمیت آن در زندگی و استفاده بهینه از هنر نمایش در به تصویر کشیدن نگرش و رفتار پیشوایان، رهبران و الگوهای محبوب در ارتباط با نماز، می‌تواند نقش بسیار مؤثر در درمان نمازگریزی در بین همه مردم به‌خصوص جوانان و نوجوانان داشته باشد. در تهیه، تولید و پخش این گونه برنامه‌ها صداوسیما نقش اصلی را می‌تواند ایفا کند. نکته‌ای که در ارائه این‌گونه برنامه‌ها باید رعایت شود توجه به ویژگی‌های سنّی، ذهنی و شرایط فرهنگی - اجتماعی مخاطبان است.

۵. احداث و زیباسازی مساجد و نمازخانه‌ها: مسجد و نمازخانه باید احساسات و خاطره‌های زیبا و به‌یادماندنی را برای همه به ویژه کودکان و نوجوانان تداعی کند. لذا باید تدابیری اتخاذ شود که کودکان و نوجوانان، مسجد را محل آرامش بخش، زیبا و دوست داشتنی بدانند تا با انگیزه و علاقه مندی بیشتر به آن روی آورند.

۶. رفتار ائمه جماعات: عامل دیگری که می‌تواند افراد جامعه را به نماز علاقه‌مند کند و از آسیب نمازگریزی جلوگیری نماید، ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری امام جماعت مساجد و مدارس است. خلق و خوی نیکوی امام مسجد و مهارت اجتماعی او در برقراری ارتباط با نمازگزاران فوق‌العاده مؤثر است. آنان اگر رفتار مناسب و حاکی از احترام مشاهده کنند، به نماز علاقه‌مند می‌شوند.

۷. بیان رمز و راز نماز و آثار آن

اسلام در دستورهای عبادی خود که اصولاً مبتنی بر «تعبّد» و «تسلیم» است، به عنصر دانش و بینش و بصیرت اهتمام می‌ورزد. مسلمانی که وظیفه دارد در هر شبانه‌روز پنج بار، عبادت بزرگی همچون نماز را به جا آورد، باید رمز و راز آن را بداند. پرسشی که برای بسیاری از مردم و به ویژه جوانان و نوجوانان ما مطرح می‌شود این است که «چرا باید نماز بخوانیم؟» قرآن کریم به این پرسش با عباراتی کوتاه امّا پرمحتوا، پاسخ‌های گوناگونی داده است. در جایی می‌فرماید: «نماز را برای آن که به یاد من باشی بپا دار.»[7] نماز ذکر و یاد خداست، باید آثار سازنده ذکر خدا و عواقب رویگردانی از آن را برای جوانان روشن سازیم. اگر درباره یاد خداوند تنها این آیه وجود داشت که می‌فرماید: «فاذکرونی أذکرکم؛[8] پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم»، کافی بود تا جان مشتاقان بسوزد، امّا ما که استعداد این شوق را نداریم چه بسا بتوانیم با آیات دیگری از قرآن مجید آثار ارزنده ذکر و یاد خدا را تصور کنیم. هر انسانی آرامش و سکون را دوست می‌دارد و از اضطراب و دغدغه و نگرانی بیزار است؛ قرآن می‌فرماید: ذکر خدا مایه آرامش دل‌هاست.[9] هر انسانی وسعت زندگی و روانی آن را دوست دارد و از فشار و سختی رویگردان است. قرآن می‌فرماید: محصول رویگردانی از یاد خدا، زندگی همراه با فشار و سختی و نابینایی و بی‌بصیرتی در دنیا و آخرت و همنشینی با شیطان است[10]؛ «هر کس از یاد خدا روی‌گردان شود شیطان را به سراغ او می‌فرستیم پس همواره قرین اوست!»[11] پس اولین آموزش قرآن به ما درباره نماز این است که نماز ذکر و یاد خداست، ذکری که این همه آثار و فواید سازنده را در پی دارد. حال اگر کسانی از درک لذّت یاد خدا و لذّت اینکه خدا به یاد ذاکران و نمازگزاران است عاجزند؛ می‌توانیم آثار سازنده و ملموس‌تر نماز را برای آنان تشریح کنیم تا به این فریضه الهی جذب شوند. همه ما دارای بدی‌هایی در عرصه فکر و عمل و رفتار هستیم و دوست داریم آنها را از وجود خود بزداییم و از کارنامه مان محو کنیم. نماز آن حسنه‌ای است که بدی‌ها را می‌زداید و وجود انسان را از کاستی می‌رهاند. قرآن می‌فرماید: «در دو طرف روز و اوایل شب، نماز را برپا دار؛ چرا که حسنات، سیئات (و آثار آنها را) از بین می‌برند؛ این تذکّری است برای کسانی که اهل تذکّرند.»[12] بر پایه حدیثی از امیرالمؤمنین(ع) از پیامبر(ص) این آیه امید بخش‌ترین آیه‌های کتاب آسمانی است[13] هر چند فهم این آموزش قرآنی نیز به مختصر بیداری و هوشیاری نیاز دارد. اگر خدای ناکرده قدری خودبین باشیم و بدی‌ها و نقایص خود را انکار کنیم دست کم باید اعتراف نماییم که چون انسانیم در معرض آلوده شدن به بدی‌ها و پلیدی‌ها هستیم. آیا در مقابل خطر آلودگی، به پاد زهری که سلامتی ما را تضمین کند، نیاز نداریم؟ قرآن می‌فرماید آن پادزهر همانا نماز است: ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر.»[14] بشارت به بهشت برین و نعمت‌های والایی که در سرای دیگر نصیب نمازگزاران می‌شود، زمینه مناسبی است تا شوق و رغبت به نماز فزونی یابد: «و آنها که بر نماز مواظبت دارند.... آنان در باغ‌های بهشتی (پذیرایی و) گرامی داشته می‌شوند.»[15] بسیاری به بهشت راه می‌یابند امّا نمازگزاران در بهشت، عزیز و محترمند:

«مؤمنان رستگار شدند، آنها که در نمازشان خشوع دارند..... آنها وارثانند! (وارثانی) که بهشت برین را ارث می‌برند و جاودانه در آن خواهند ماند!»[16]

نمازگزاران خاشع نه‌تنها وارد بهشت می‌شوند بلکه آنان وارثان فردوس یعنی بهشت برین‌اند.

و بالاخره بیان آثار زیانبار رویگردانی از نماز و دچار خشم و غضب خدا شدن و از ساحت رحمتش دور بودن نیز روشی تهدیدی و انذاری است که باید آن را در مورد برخی از مخاطبان به کار برد: «اصحاب یمین که در باغ‌های بهشتند، از مجرمان می‌پرسند: چه چیز شما را به دوزخ وارد کرد؟ گویند: ما از نمازگزاران نبودیم.»[17] آری اگر نمازگزاران در بهشت برین‌اند، نمازگریزان در قعر جهنّمند.

چنان‌که ملاحظه می‌شود قرآن مجید در بیان رمز و راز نماز و بیان فواید سازنده آن و آثار زیانبار رویگردانی از آن، شیوه‌های گوناگونی را به کار بسته است ما نیز باید با توجّه به افق فکری مخاطبان روش مناسب با روحیّات و افکار آنان را برگزینیم.

از علی(ع) روایت شده که فرمود: از رسول خدا درباره سُنّت آن حضرت پرسیدم، فرمود: و الحُبّ اساسی یعنی محبت، بنیاد و اساس (روش و سنت) من است. محبت، هم در مورد کودکان و هم در مورد جوانان و نوجوانان می‌تواند از بسیاری رفتارهای نامطلوب از جمله نمازگریزی جلوگیری کند، لذا رسول گرامی اسلام درباره محبت به کودکان فرمود: «کودکان خود را دوست بدارید و به آنان مهر بورزید.»

۸. ترسیم چهره ای زیبا و جذّاب از نمازگزاران

راهی که قرآن مجید برای ترغیب به نماز برگزیده است، ترسیم چهره ای زیبا و جذّاب از نمازگزاران است تا دیگران با دیدن جلوه‌های رفتاری آنان در عرصه‌های مختلف به نماز گرایش یابند. اگر با این دید به آیاتی که به گونه ای مسئله نماز در آن مطرح شده، نگاهی مجددّ بیفکنیم، در می‌یابیم که قرآن مجید بر این روش بیش از سایر شیوه‌ها تأکید کرده است. شاید آنچه باعث شده قرآن مجید بدین شیوه بها دهد آن است که قرآن، کتاب تربیت و انسان‌سازی است. در تربیت و پرورش، آن اندازه که الگوهای عملی و عینی می‌توانند کارساز باشند، صرف ارائه مفاهیم ذهنی و نظری کارآیی ندارد. تحلیل ماهیت نماز و بر شمردن فواید و آثار آن گرچه سازنده است؛ امّا سازنده‌تر آن است که نشان دهیم این مفاهیم می‌تواند در وجود انسان‌ها تبلور یابد و عینی و مجسّم شود. معمولاً اذهان عموم مردم به ویژه جوانان چندان حوصله تجلیل و شناخت مفاهیم ذهنی را ندارد؛ آنان بیشتر به نمونه‌های عینی و شواهد زنده و گویا توجّه دارند. پس مهم‌تر از تبیین مفهوم نماز، معرفی نمازگزاران است. اینکه یک ماهیت اعتباری همچون نماز قدرت بازدارندگی از بدی‌ها و زشتی‌ها را دارد، نمی‌تواند به اندازه یک نمازگزار واقعی که عملاً از زشتی‌ها و بدی‌ها بیزار است، کارساز باشد. چهره‌هایی که آثار نماز را در وجود و رفتار خود بروز و ظهور می‌دهند، سازنده بودن نماز را عملاً نشان می‌دهند و در یک آموزش طبیعی و ناخودآگاه به دیگران می‌آموزند که نماز می‌تواند انسان‌های کاملی را بپرورد.

اگر خدای ناکرده قدری خودبین باشیم و بدی‌ها و نقایص خود را انکار کنیم دست کم باید اعتراف نماییم که چون انسانیم در معرض آلوده شدن به بدی‌ها و پلیدی‌ها هستیم. آیا در مقابل خطر آلودگی، به پاد زهری که سلامتی ما را تضمین کند نیاز نداریم؟ قرآن می‌فرماید آن پادزهر همانا نماز است.

در قرآن مجید برای تأکید پیرامون جایگاه نماز این شیوه بیش از سایر شیوه‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. این روش نه‌تنها در مورد نماز، که در دیکر زمینه‌ها نیز مورد توجّه جدی است. قرآن کریم آن اندازه که از پیامبران یعنی نمونه‌های عینی سخن می‌گوید، به بحث پیرامون مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی نمی‌پردازد. قرآن کریم حتی به هنگام تبیین مفهوم نیکوکاری، نیکوکاران را که تجسّم نیکوکاری‌اند، معرفی می‌کند: «نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید، بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد.»[18] جالب این است که قرآن کریم در مورد مسجد یعنی اصلی‌ترین پایگاه اقامه نماز نیز دقیقاً همین شیوه را برگزیده است. در این‌باره نیز به طور عمده از سه روش استفاده شده است:

الف) بیان اهمیّت و موقعیت والای مسجد: «مساجد از آن خداست.»[19]؛ «(مساجد) خانه‌هایی (است) که خداوند اذن به برپایی آن داده و اذن داده تا نام او را در آن ببرند.»[20]

ب) فرمان مستقیم به حضور در مسجد: «و در هر مسجدی به خداوند روی آورید.»[21]

ج) بیان ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری انسان‌های مسجدی: تا دیگران با تأسی به آنان به مسجد گرایش پیدا کنند. مقایسه این سه روش با یکدیگر و دقّت در موارد کاربرد آنها نشان می‌دهد که روش اخیر بیشتر مورد توجّه قرار گرفته است.

پانوشت‌ها:

۱. عیّاض، ابوالفضل، الشفأ بتعریف حقوق المصطفی، دارالکتب العربی، بیروت، ج ۱، ص ۱۸۷. ۲. فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۲، ص ۲۳۷. ۳. علی‌اکبر سیف، تغییر رفتار و رفتار درمانی، نشر دوران، ۱۳۷۹، فصل ۱۶. ۴. نهج‌الفصاحه، جمله ۱۵۸۸. ۵ متقی هندی، کنزالعمال، ج ۷، ص ۲۷۹. ۶. دکتر علی‌اکبر سیف، تغییر رفتار و رفتار درمانی، نشر دوران، ۱۳۷۸، فصل ۷ و ۸. ۷. طه، ۱۴. ۸. بقره، ۱۵۲. ۹. رعد، ۲۸. ۱۰. طه، ۱۲۴. ۱۱. زخرف، ۳۶. ۱۲. هود، ۱۱۴. ۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۲۰۱. ۱۴. عنکبوت، ۴۵. ۱۵. معارج، ۲۳ و ۳۵. ۱۶. مؤمنون، ۱، ۲، ۱۰، ۱۱. ۱۷. مدثّر، ۳۹ تا ۴۳. ۱۸. بقره، ۱۷۷. ۱۹. جن، ۱۸. ۲۰. نور، ۳۶ و ۳۷. ۲۱. اعراف، ۲۹.

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم

فلسفه الگو بودن حضرت زهرا(س)

دفاع حضرت زهرا(س) از ارزش‌های اسلامی، گذشتن از جان در راه بقا و دوام ولایت، تقوا، عفت، مهربانی، فرزندپروری و همسرداری ایشان الگوی بی‌بدیلی برای همه انسان‌هاست. به همین دلیل وجود مقدس امام زمان(ع) نیز مادر خویش را الگوی خود دانسته و می‌فرمایند: «همانا در دختر رسول خدا برای من، الگویی شایسته وجود دارد.»

انسان موجودی کمال‌گرا است و همین ویژگی باعث می‌شود تا او همواره در تکاپو برای رسیدن به مدارج کمال باشد. او در این مسیر از طریق فعلیت بخشیدن به استعدادهای فطری و درونی خویش قدم در مسیر تکامل می‌گذارد. انگیزه رسیدن به قله تکامل، میل به اسوه و الگوپذیری را در انسان شکوفا می‌کند و او همواره دوست دارد از تجربه کمال‌یافتگان بهره ببرد. میل به الگوخواهی باعث می‌شود تا انسان بعد از شناخت و یافتن اهل کمال، از روش و سیره آنها تبعیت و الگوبرداری کند.

تقلید و تبعیت از سیره و روش دیگران، گاهی ممکن است خالی از هرگونه اندیشه و تفکر باشد و انسان تقلیدی ناآگاهانه و بدون هدف یا تنها باهدف‌هایی کم‌ارزش را پیش گیرد. طبیعتاً چنین الگوگیری اگرچه اصلش برگرفته از میلی فطری است؛ اما چنین شخصی در روش خود دچار خطا و اشتباه شده است؛ اما گاهی تقلید و تبعیت از دیگران تقلیدی کورکورانه نیست؛ بلکه انسان کاملاً آگاهانه و با هدف و همراه با علم و شناخت، دیگران را الگوی خویش قرار می‌دهد.

قرآن پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) را الگو معرفی می‌کند و می‌فرماید: «مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.»[1]

زنان الگو

آنچه منجر به برتری انسان‌ها از یکدیگر می‌شود تقوا و میزان تسلیم در برابر حق است و این امر میان زنان و مردان مشترک است. به‌عنوان مثال خداوند در آیاتی از قرآن آسیه همسر فرعون را به‌عنوان الگو و اسوه مؤمنان معرفی می‌کند.

قرآن می‌فرماید: «و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثَل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی‌بخش!»[2] پیامبر اسلام نیز دخترشان را الگوی زنان جهان معرفی کرده و می‌فرمایند: «أتانی مَلَکٌ فَبَشّرَنی إنّ فاطِمَةَ سَیّدَه نِساءِ أهْلِ الْجَنّةِ وَ نِساءِ أُمّتِی؛[3] فرشته‌ای بر من نازل شد و به من بشارت داد که فاطمه، سرور همه زنان اهل بهشت و نیز سرآمد همه بانوان امّتم است.» در نگاه اسلام کسی می‌تواند الگو باشد که در برابر حق تسلیم است و میزان اسوه بودن هرکس به میزان تسلیم بودن در برابر خداوند و دستورات الهی بازمی‌گردد.

انسان‌های کامل، الگوی کاملی هستند و انسان می‌تواند در تمام ابعاد زندگی به سیره آنها مراجعه کرده و از آنها تبعیت کند. حضرت زهرا(س) یا حضرت زینب(س) می‌توانند الگوی همه زنان و مردان عالم باشند؛ همان‌گونه که یک مرد نیز همچون حضرت علی(ع) یا وجود مقدس پیامبر(ص) می‌توانند الگوی کاملی برای همه مردان و زنان عالم باشند؛ چراکه زن و مرد در توان تقرب به خدای متعال و رسیدن به هدف خلقت باهم تفاوتی ندارند.

فلسفه الگو بودن حضرت زهرا(س)

دلیل اینکه پیامبر اسلام حضرت زهرا را الگو معرفی می‌کنند این است که اسوه‌گری حضرت زهرا جلوه دیگری از اسوه بودن پیامبر اسلام است؛ یعنی فاطمه زهرا استمرار همان اسوه حسنه (پیامبر) است. دفاع حضرت زهرا از ارزش‌های اسلامی، گذشتن از جان در راه بقا و دوام ولایت، تقوا، عفت، مهربانی، فرزندپروری و همسرداری ایشان الگوی بی‌بدیلی برای همه انسان‌هاست. به همین دلیل وجود مقدس امام زمان نیز مادر خویش را الگوی خود دانسته و می‌فرمایند: «وَ فِی ابْنَهِ رَسُولِ اللهِ لِی أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛[4] همانا در دختر رسول خدا برای من، الگویی شایسته وجود دارد.» در واقع چون وجود حضرت زهرا استمرار وجود پیامبر است اسوه‌پذیری از او نیز همان اسوه‌پذیری از رسول‌الله است.

حضرت زینب نیز با قدم گذاشتن در همین مسیر شایستگی الگو بودن را دارا هستند.

هدایت، پیش‌زمینه تأسی

خداوند در قرآن می‌فرماید: «آنها کسانی هستند که خداوند هدایت‌شان کرده؛ پس به هدایت آنان اقتدا کن!»[5] در این آیه ابتدا به مسئله هدایت انبیا اشاره شده و سپس موضوع الگو بودن آنها بیان می‌شود؛ یعنی دلیل و علت اینکه انبیا می‌توانند الگو باشند این است که پیش‌زمینه لازم برای الگو بودن را دارا هستند و آن پیش‌زمینه چیزی جز هدایت نیست. ما نیز باید از کسانی الگو بگیریم و تأسی کنیم که خودشان هدایت یافته باشند. وجود مقدس حضرت زهرا و حضرت زینب پیش‌زمینه هدایت را دارا هستند.

الگوگیری مستقیم و غیرمستقیم

نکته دیگری که در امر الگوگیری باید به آن دقت کنیم این است که گاه الگوگیری به شکل مستقیم است یعنی گفتار و کردار شخص الگو را عیناً تکرار می‌کنیم.

مثلاً پیامبر ما نماز را اول وقت می‌خواندند، ما نیز با الگوگیری از ایشان نماز خود را اول وقت می‌خوانیم.

گاهی نیز الگوگیری به شکل غیرمستقیم است؛ یعنی ممکن است همان عمل در زمان حاضر قابلیت تکرارشدن نداشته باشد؛ اما روح و حقیقت آن عمل را الگوبرداری کرده و با تحلیل و بررسی سیره آن بزرگواران وظیفه خویش را در تمام ابعاد زندگی به انجام می‌رسانیم.

مثلاً حضرت زهرا لباسی مندرس و وصله‌دار می‌پوشیدند، طبیعتاً در این‌جا منظور از الگوگیری از ایشان این نیست که ما نیز لباس وصله‌دار بپوشیم؛ بلکه روح و حقیقت این رفتار یعنی همان زهد و پرهیز از دنیاگرایی باید مورد توجه ما قرار گیرد.

اولویت‌بندی

آنچه در سیره حضرت زهرا و حضرت زینب(س) شاهدیم توجه به اولویت‌ها در زندگی است. مهم‌ترین هدف برای آنها بندگی خداست و متناسب با همین تعبد به اولویت‌بندی امور مبادرت می‌ورزند. در سیره این بزرگواران وظیفه مادری و همسرداری جایگزین ندارد؛ پس یک زن باید انجام این امور را در اولویت قرار دهد و سایر فعالیت‌ها نباید هرگز وظیفه مادری و همسری را تحت‌الشعاع قرار دهد.

تربیت کودک

خانواده، اولین کانون تربیتی است که کودک قدم در آن می‌گذارد. با توجه به اینکه حساس‌ترین و مهم‌ترین دوران زندگی، کودکی است و کوچک‌ترین انحراف یا سهل‌انگاری ممکن است به شخصیت و آینده کودک لطمه‌های جبران‌ناپذیری وارد کند؛ متمرکز بودن یک زن بر امر تربیت ضروری است.

ضمن اینکه توجه یک زن به امر تربیت فرزندش به‌نوعی قدم‌گذاردن در مسیر حضرت زهرا و حضرت زینب است.

مؤلفه‌های رفتاری

قدم‌گذاردن در مسیری که حضرت زهرا و حضرت زینب(س) در آن مسیر قدم گذاشته‌اند کار آسانی نیست؛ بلکه نیازمند تلاش مداوم، ایمان قوی، عمل صالح و پیروی از سیره معصومین است.

در نگاه اسلام کسی می‌تواند الگو باشد که در برابر حق تسلیم است و میزان اسوه بودن هرکس به میزان تسلیم بودن در برابر خداوند و دستورات الهی بازمی‌گردد. انسان‌های کامل، الگوی کاملی هستند و انسان می‌تواند در تمام ابعاد زندگی به سیره آنها مراجعه کرده و از آنها تبعیت کند.

ما قائل به این امر هستیم که وجود حضرات معصومان(ع) از نوری واحد است و حقیقت نوری کردار و گفتار و رفتار آنها یکسان است؛ بنابراین پیامبر اسلام و ائمه معصومین و همچنین حضرت زهرا و حضرت زینب(ع) می‌توانند بهترین الگو برای ما باشند.

از مهم‌ترین الزامات این مسیر می‌توان به امور زیر اشاره کرد:

۱. تقوا؛ تقوا سپری است که به‌واسطه انجام واجب و ترک حرام نصیب انسان می‌شود.

۲. علم‌آموزی و کسب معرفت را می‌توان از جمله ویژگی‌های حضرت زهرا و حضرت زینب دانست؛ بنابراین کسی که قصد الگوگیری از این بزرگواران را دارد باید در مسیر کسب علم و معرفت گام بردارد.

۳. عبادت؛ عبادت‌های حضرت زهرا و حضرت زینب عامل اتصال آنها به خدا بود. انسانی که خواهان تبعیت از این شخصیت‌های نورانی است باید به عبادت تمسک جوید.

۴. صبر؛ از مهم‌ترین ویژگی‌های این بزرگواران صبر بر بلا و مصیبت است. صبور بودن نیز از دیگر لوازم تبعیت است.

۵. خدمت به خلق را می‌توان در سیره حضرت زهرا و حضرت زینب به‌وضوح مشاهده کرد.

۶. تبعیت از ولایت از دیگر صفات بارز حضرت زهرا و حضرت زینب است.

۷. تربیت نسل صالح.

۸. دفاع از حق و حقیقت.

نتیجه‌گیری

انسان موجودی کمال‌گراست و برای رسیدن به کمال درصدد الگوبرداری از دیگران است. در نگاه اسلام برترین الگوها، کامل‌ترین آنها هستند. به همین دلیل وجود معصومان(ع) به‌عنوان انسان کامل بهترین الگو و اسوه معرفی می‌شوند. ما قائل به این امر هستیم که وجود حضرات معصومان(ع) از نوری واحد است و حقیقت نوری کردار و گفتار و رفتار آنها یکسان است؛ بنابراین پیامبر اسلام و ائمه معصومین و همچنین حضرت زهرا و حضرت زینب می‌توانند بهترین الگو برای ما باشند.

اسلام احیاگر شخصیت زن و حافظ کرامت انسانی اوست؛ هر دستوری که در دین اسلام برای زن ارائه شده است در جهت حفظ شأن و شخصیت زن است.

زن در نگاه اسلام از جایگاه والایی برخوردار است به شرطی که همسو با فطرت خویش حرکت کند؛ بنابراین بر زن مسلمان نیز لازم است تا به وظایف فردی، خانوادگی و اجتماعی خویش توجه کند و صرفاً ذهن خویش را معطوف به یک بُعد ننماید.

با مطالعه زندگی‌نامه حضرت زهرا و حضرت زینب، می‌توان از تجربیات و روش‌های زندگی آنها بهره‌مند شد. رسیدن به مقام والای حضرت زهرا و حضرت زینب(س)، گرچه میسر نیست؛ ولی نزدیک شدن به چنین منزلت و جایگاهی، نیازمند تلاش مداوم، صبر و استقامت است.

برای مطالعه بیشتر

۱. الگوی برتر، علی‌اصغر رضوانی.
۲. عاشورا و الگوگیری، جواد محدثی.
۳. فاطمه، الگوی مهدی، سید مسعود پورسیدآقایی.
۴. زن در آینه جمال و جلال، آیت‌الله جوادی آملی.

پی‌نوشت‌ها:

۱. احزاب، آیه ۲۱. ۲. تحریم، آیه ۱۱. ۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ ق، ج ۲۱، ص ۲۷۹. ۴. همان، ج ۵۳، ص ۱۸۰، باب ۳۱، روایت ۹. ۵. انعام، آیه ۹۰.

مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی

اهمیت و آثار تسبیح حضرت زهرا(س)

یکی از سفارش‌های اهل‌بیت(ع) در موضوع عبادات، خواندن ادعیه و اذکار خاص در مکان‌ها و زمان‌های مختلف است. از جمله در منابع روایی، دعاها و ذکرهای زیادی برای انجام پس از هر نماز ارائه شده است.

تسبیح حضرت فاطمه(س) یکی از بهترین این ذکرها است که به عنوان تعقیبات نماز توصیه شده و برای آن ویژگی‌های ممتازی بیان شده است. برخی از فضیلت‌های این تسبیح عبارتند از:

۱. جزء بالاترین عبادت‌ها

تسبیح حضرت زهرا(س) در نزد اهل‌بیت جایگاه رفیعی دارد تا جایی که این ذکر از بالاترین عبادت‌ها دانسته شده است.

امام باقر(ع) در این موضوع می‌فرماید: مَا عُبِدَ اللهُ بِشَیْءٍ مِنَ التَّحْمِیدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِیحِ فَاطِمَةَ وَ لَوْ کَانَ شَیْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ لَنَحَلَهُ رَسُولَ اللهِ فَاطِمَةَ؛[1] خداوند متعال با هیچ تسبیحی از حمد و ستایش عبادت نشده که از تسبیح حضرت فاطمه(س) بهتر باشد؛ زیرا اگر چیزی بهتر از آن بود، رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) آن را به حضرت فاطمه عطا می‌کرد. در حدیثی دیگر، این عبادت از بالاترین عبادت‌ها دانسته شده است.[2] بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که گفتن این تسبیحات پس از نماز از بهترین تعقیبات محسوب می‌شود.

۲. مصداق ذکر کثیر

آیه ۴۱ سوره احزاب با عبارت «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اذْکُرُوا اللهَ ذِکْرًا کَثِیرًا» همگان را امر به ذکر کثیر (زیاد) کرده است. مطابق احادیث معصومان(ع) از فضائل تسبیح حضرت زهرا این است که جزء ذکر کثیر شمرده می‌شود. از امام صادق(ع) درباره فرموده خداوند عز و جل «اذْکُرُوا اللهَ ذِکْراً کَثِیراً؛ خدا را یاد آرید، یادی فراوان» پرسیده شد که این «ذکر کثیر» چیست؟

حضرت فرمود: مَنْ سَبَحَ تَسْبِیحَ فَاطِمَةَ فَقَدْ ذَکَرَ اللهَ الذِکْرَ الْکَثِیرَ؛[3] کسی که تسبیح حضرت فاطمه را گوید، خدا را به ذکر کثیر یاد کرده است.

در احادیث دیگری نیز این تسبیح، ذکر زیاد نامیده شده است.[4] در روایتی از امام صادق(ع) آمده است: مَنْ بَاتَ عَلَی تَسْبِیحِ فَاطِمَةَ کَانَ مِنَ الذَّاکِرِینَ اللهَ کَثِیراً وَ الذَّاکِرَاتِ؛[5] کسی که هنگام خواب تسبیح حضرت فاطمه را بگوید از مردان و زنانی شمرده می‌شود که ذکر زیاد را گفته‌اند.

پس این تسبیح از مصادیق ذکر زیاد محسوب شده و گوینده آن نیز از ذاکرین محسوب می‌شود.

۳. بهتر و تاثیرگذارتر از امور دنیایی

در برخی احادیث آمده که حضرت فاطمه(س) بسیار در خانه کار می‌کرد و زحمت می‌کشید. امیرالمؤمنین(ع) به ایشان گفتند که از پدرشان بخواهد تا خدمتکاری را برایشان استخدام کند. وقتی حضرت فاطمه این خواسته را به پدر مطرح کرد، پیامبر(ص) به ایشان این تسبیح را آموزش داد و تاکید کرد که این تسبیح از دنیا و آنچه در دنیا است بهتر می‌باشد (فَذَلِکَ خَیْرٌ مِنَ الدُّنْیَا وَ مَا فِیهَا)؛ پس، از فضائل تسبیح حضرت این است که از همه امور دنیوی و مادی بالاتر و تاثیرگذارتر است.[6]

در روایتی از امام صادق(ع) آمده است: کسی که هنگام خواب تسبیح حضرت فاطمه را بگوید از مردان و زنانی شمرده می‌شود که ذکر زیاد را گفته‌اند.

۴. بالاتر از هزار رکعت نماز

از دیگر ویژگی‌های تسبیح حضرت زهرا(س) این است که فضیلت آن در نزد اهل‌بیت از نماز مستحبی نیز بالاتر است. امام صادق(ع) در این‌باره می‌فرماید: تَسْبِیحُ فَاطِمَةَ فِی کُلِّ یَوْمٍ فِی دُبُرِ کُلِّ صَلَاهٍ أَحَبُّ إِلَیَّ مِنْ صَلَاهِ أَلْفِ رَکْعَهٍ فِی کُلِّ یَوْمٍ؛[7] تسبیح حضرت فاطمه(س) در هرروز پس از هرنماز، نزد من بهت